

ضرورت حمایت از مالکیت ادبی و هنری

آخرین وضعیت ایران در پذیرش پیمان جهانی مالکیت ادبی و هنری

در گفت و گو با مرتضی شفیعی شکیب

● امیرحسین شرافت

میراث فرهنگی ملی با سطح حمایتی که از آثار ادبی و هنری می‌شود، رابطه مستقیم دارد. هر چه سطح حمایت بالاتر باشد مؤلفان بیشتر، برای خلاقیت تشویق می‌شوند. هر چه میزان آفرینش‌های فکری یک کشور بیشتر شود، کثرت و موفقیت آن بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر هر چه میزان تولیدات در ادبیات و هنر بیشتر شود میزان وسایل مرتبط با آن مثل کتاب، نوار و صنایع نمایشی نیز افزایش می‌یابد و در تحلیل نهایی، تشویق آفرینش‌های فکری یکی از لوازم اساسی جهت توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد».

امروزه آثار ادبی و هنری که در یک کشور پدید می‌آیند با طرق ارتباطی و رسانه‌های همگانی نوین در مدت کوتاهی به کشورهای دیگر راه می‌یابند و گاهی جنبه جهانی پیدا می‌کنند. به همین دلیل تجاوز به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان این آثار فزونی گرفته و حقوق مالکیت معنوی در این حوزه نیز حساسیت بیشتری پیدا کرده و در نتیجه توجه قانونگذاران را بیش از پیش به خود جلب کرده‌است. قوانین جدیدی در کشورهای مختلف به تصویب رسیده و حتی تعدادی موافقتنامه‌های بین‌المللی در این زمینه منعقد شده‌است.

بنابراین حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری جریانی متقابل میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته‌است. وجود نظام مالکیت معنوی جز این که تولیدات فکری خارجیان را در داخل مورد حمایت قرار دهد، متقابلاً این وضعیت را بوجود می‌آورد که ما نیز بتوانیم این تولیدات را در کشورهای خارجی عرضه کنیم.

اغلب در تعداد کمی از کشورها این جریان متقابل وجود ندارد. به این معنا که آثار ادبی و هنری تولید شده در خارج به‌سادگی تکثیر یا تقلید می‌شود و پدیدآورندگان این قبیل کشورها نیز در عمل قادر به عرضه آثار خود به خارج از کشور نمی‌باشند، مگر از طریق نامشروع. به این ترتیب بهره‌برداری اقتصادی از این آثار عملاً به بازار داخلی محدود می‌گردد و پدیدآورنده از منافع



اشاره :

در گذشته آثار فکری و هنری نشر، گستره محدودی داشتند و چه بسا پدیدآورندگان متوقع بهره‌برداری مادی از این آثار نبودند. از این رو حمایت قانونی از این آثار هم ضروری نمی‌نمود، ولی در جهان امروز با گسترش فوق‌العاده مالکیت‌های معنوی و ارزشی که آفریده‌های علمی از لحاظ فردی و اجتماعی پیدا کرده‌اند و نقشی که این پدیده‌ها بویژه در توسعه اقتصادی بشری ایفا می‌کنند، قانون‌گذاران دیگر نمی‌توانند نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا باشند. اهمیت حمایت از کپی‌رایت در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جوامع به حدی است که در مقدمه راهنمای کنوانسیون برن چنین آمده‌است: «کپی‌رایت، به نوبه خود عاملی اساسی در روند توسعه‌است. تجربه نشان داده که توسعه و غنای

حمایت مؤثر از حقوق مالکیت معنوی در حوزه حق مؤلف و حقوق جانبی، انگیزه لازم را در جهت خلاقیت‌های علمی، هنری و ادبی فراهم می‌کند؛ توزیع و استفاده از آثار جدید را تسهیل می‌نماید و محیط مناسبی را برای مبادله منظم تولیدات فکری در بازار بوجود می‌آورد

مالکیت صنعتی و هم مالکیت ادبی و هنری باشد. از آنجا که این کلمه در کشور ما نیز کاربرد فراوان پیدا کرده، باید سعی کنیم که دست‌کم در متون نوشتاری این اصطلاح را درست بکار ببریم تا کسانی که با این موضوع سر و کار دارند از همان ابتدا تلقی درستی از آن داشته باشند.

■ لطفاً آخرین وضعیت پیوستن یا عدم پیوستن ایران را به معاهدات جهانی بخصوص حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری بیان کنید؟

□ می‌دانید که ما هنوز به کنوانسیون برن (که اولین و مهم‌ترین کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی در این زمینه است) نپیوسته‌ایم، با اینکه از سال تأسیس این کنوانسیون در سال ۱۸۸۶، ۱۱۸ سال می‌گذرد. طبیعی است که چون ما به این کنوانسیون نپیوسته‌ایم، هیچ تعهدی نسبت به رعایت کپی‌رایت برای آثار نوشتاری و هنری که در خارج از کشور تولید می‌شود و در داخل کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، (ترجمه شود یا عیناً استفاده شود) - که اگر کتاب باشد به صورت افست است) نداریم. گرچه در بخش دولتی این حق را در مواقعی رعایت می‌کنند، بخصوص دستگاه‌هایی مثل صدا و سیما و بخش سینمای کشور (که بخشی از آن در وزارت ارشاد و بخشی در صدا و سیماست). آثار هنری که خارج از کشور وارد و پخش می‌شود، مثل فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی یا گزارش‌های ورزشی و فیلم‌های مستند، حقوقشان را پرداخت می‌کنیم؛ البته بر اساس موافقتنامه‌های دو جانبه با کشورهایی که این آثار را تولید می‌کنند.

■ البته این موافقتنامه‌های دو جانبه یا چند جانبه، ارتباطی به کنوانسیون جهانی ندارد؟

□ ما ناچاریم به دلیل نیازی که به این آثار داریم، حقوق آن‌ها را طبق قراردادهایی که بین سازمان‌ها منعقد می‌شود، پرداخت

عظیمی محروم می‌ماند که به سهم خود این عامل در ترویج و تشویق فعالیت‌های علمی، ادبی و هنری تأثیرگذار است.

با توجه به مراتب فوق روشن است که حمایت مؤثر از حقوق مالکیت معنوی در حوزه حق مؤلف و حقوق جانبی، انگیزه لازم را در جهت خلاقیت‌های علمی، هنری و ادبی فراهم می‌کند؛ توزیع و استفاده از آثار جدید را تسهیل می‌نماید و محیط مناسبی را برای مبادله منظم تولیدات فکری در بازار بوجود می‌آورد. برای بررسی بیشتر جایگاه حقوق مالکیت ادبی و هنری کشورمان و اقداماتی که تاکنون از طرف مراجع ذی‌صلاح انجام گرفته، چندی پیش پای صحبت دکتر مرتضی شفیع‌شکیب، مشاور سابق وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور مالکیت فکری و مسؤول پیگیری پرونده کپی‌رایت در ایران نشستیم.

■ برای آغاز گفت‌وگو، لطفاً کپی‌رایت را تعریف کنید و بفرمایید آیا تعابیر و معانی‌ای که برای این اصطلاح متداول است صحیح است یا خیر؟

□ برای اصطلاح کپی‌رایت معادل‌های مختلفی در نظر گرفته‌اند که بعضی از آن‌ها جا نیافتاده‌اند و برخی هم افاده به مقصود نمی‌کنند. برای کپی‌رایت، حق مؤلف، حق تکثیر یا نشر، و در چند سال اخیر حق پدیدآورنده و حقوق انحصاری اثر و قدیم‌تر، حق تقلید (به اعتبار کلمه کپی که معنای اصلی آن تقلید کردن است) بکار رفته‌است. اگر بخواهیم بدون توجه به لفظ این اصطلاح و به دور از ترجمه تحت‌اللفظی آن را معنی کنیم، معنی آن حقوق ناظر به مالکیت ادبی و هنری است (ادبی یعنی همه آثار نوشتاری) که حوزه‌های متنوعی را دربرمی‌گیرد که موضوع کپی‌رایت است. بنابراین این که می‌گویند مالکیت معنوی و منظورشان کپی‌رایت است، درست نیست. مالکیت معنوی یا فکری که معادل Intellectual property است، در واقع ناظر به مالکیت صنعتی و نیز مالکیت ادبی و هنری است. بنابراین وقتی می‌گوییم مالکیت فکری، مرادمان باید هم

**کسانی که درباره بعضی از معاهدات
مشغول مذاکره هستند توجه دارند که
مصالح عمومی کشور و آنچه تأمین‌کننده
این مصالح است در اولویت می‌باشد و
پذیرفتن عضویت ما در سازمان جهانی
تجارت نباید مغایر با مصالح عمومی باشد
و منافع ملی را دچار خدشه و خطر کند**

مقررات ما می‌توانیم متناسب با امکانات و توانایی‌مان درخواست مهلت کنیم و مهلت بخواهیم تا شرایطمان را با شرایط بین‌المللی هماهنگ کنیم. طبیعی است کسانی که در این حوزه مشغول مذاکره هستند بخصوص وزارت بازرگانی و وزارت امور خارجه و اخیراً وزارت ارشاد (با توجه به مسؤلیتی که در حوزه کپی‌رایت دارد) توجه به این دارند که مصالح عمومی کشور و آنچه تأمین‌کننده این مصالح است در اولویت می‌باشد و پذیرفتن عضویت ما در سازمان جهانی تجارت نباید مغایر با مصالح عمومی باشد و منافع ملی را دچار خدشه و خطر کند.

این امر بسیار پیچیده‌ای است و احتیاج به بحث‌های کارشناسی بسیار دقیق دارد و اقدامی است که در حال حاضر در دست اجراست. اخیراً هم ایران مذاکراتی با اتحادیه اروپا داشته که تاکنون چهار دوره از این مذاکرات برگزار شده است. برای دور پنجم بحث تریپس و مقررات مربوط به حوزه کپی‌رایت بین طرف ایرانی و اتحادیه اروپایی بطور جدی مطرح شده و شرایط دو طرف مورد بحث و بررسی است. از طرف دیگر، اطلاع دارید که ما در اواخر سال ۱۳۸۰ رسماً به عضویت سازمان جهانی مالکیت فکری (یا به طور خلاصه وایپو: WIPO) در آمدیم و الآن یکی از اعضای این سازمان هستیم. هر کشوری که عضو یکی از دو کنوانسیون پاریس یا برن باشد به طور طبیعی می‌تواند عضو سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) شود. مجلس شورای اسلامی در اواخر سال ۱۳۸۰، به استناد عضویت ما در کنوانسیون پاریس، به دولت اجازه داد که اسناد مربوط به عضویت در کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری را تهیه و به دبیرخانه سازمان جهانی مالکیت فکری تسلیم کند که این کار انجام شد و تقریباً یک هفته مانده به سال ۱۳۸۰ ایران رسماً به عضویت این سازمان در آمد.

البته این عضویت هیچ تعهدی برای کشور ما در حوزه کپی‌رایت در پی ندارد. بعضی‌ها وقتی این بحث در مجلس

کنیم، متقابلاً اگر آثاری از این دست از کشور ما خارج شود آن‌ها را می‌فروشیم و حقوق آن‌ها را دریافت می‌کنیم (طبق توافقنامه‌های دو جانبه). از این که بگذریم، معدودی از مصرف‌کنندگان آثار فرهنگی و هنری در بخش خصوصی نیز، متناسب با بضاعت یا استعداد و توانایی که دارند، حقوق آثاری را که استفاده می‌کنند، می‌پردازند. بعضی از ناشران بخش خصوصی هم این کار را انجام می‌دهند، ولی تعدادشان انگشت‌شمار است. به هر حال، وضع عمومی کشور ما این است که تعهدی نسبت به رعایت این حقوق نداریم و البته این مسأله پیامدهایی برای ما دارد که در ادامه باید به آن بپردازیم.

■ با توجه به برخی اقدامات جهانی، آیا دولت یا کسانی که متولی این کار هستند کار کارشناسی انجام داده‌اند؟ زیرا ایران درخواست عضویت در سازمان جهانی تجارت را کرده است که یکی از بندهای مهم آن موافقتنامه تریپس است که به نحوی ما را ملزم می‌کند که قبل از پذیرش عضویت کنوانسیون برن را پذیرفته باشیم؟

□ موافقتنامه تعرفه و تجارت عمومی موسوم به گات (GAAT)، در بررسی‌های دقیق‌تری که درباره آن انجام گرفت در کشور اروگوئه به مقدمات تأسیس سازمان جهانی تجارت (WTO) تبدیل شد و پیش‌نویس تهیه شده در اروگوئه در مراکش به تصویب نهایی رسید و در سال ۱۹۹۴ رسماً سازمان جهانی تجارت تأسیس شد و تمام مقررات گات با اصلاحاتی که در دور اروگوئه صورت گرفت در قالب سازمان جهانی تجارت گنجانده شد.

از جمله مواردی که در مقررات سازمان جهانی تجارت گنجانده شد، مقررات ناظر به جنبه‌های تجاری مالکیت فکری است که به طور خلاصه به آن موافقتنامه تریپس (TRIPS) می‌گویند. بخش‌هایی از کنوانسیون برن را (شامل ۲۱ ماده) در تریپس گنجانده‌اند، البته با اضافات و اصلاحاتی که از جمله آن‌ها پذیرفتن کپی‌رایت است. بنابراین از لوازم و تبعات الحاق به سازمان جهانی تجارت، پذیرش تریپس است که به معنای پذیرفتن کپی‌رایت است. (البته می‌شود که کشوری عضو سازمان جهانی تجارت شود، ولی در همان ابتدا کپی‌رایت را نپذیرد و مهلت بخواهد). ایران از سال ۱۳۷۵ در صدد الحاق به سازمان جهانی تجارت است و مذاکرات متعددی هم در این زمینه انجام داده و می‌دهد. البته تاکنون چند نوبت درخواست عضویت ما در این سازمان از طرف بعضی کشورهای رد شده و باعث گردیده است که تاکنون درخواست عضویت ما به طور رسمی مطرح نشود. در صورت پذیرش درخواست عضویت ما، طبیعتاً همه معاهدات و مقرراتی که پیامد عضویت در این سازمان است برای ما لازم الاجرا خواهد شد.

البته همان‌طور که عرض کردم، برای بعضی معاهدات و

■ آیا برآورد علمی شده که این هزینه در سال چقدر است؟

□ تاکنون خیر. البته کارهایی در وزارت ارشاد در دست انجام است تا بر آورد نسبتاً دقیقی داشته باشیم که در ادامه توضیح خواهیم داد. عمده دلیل مخالفان پیوستن به کپی‌رایت بُعد اقتصادی آن است، بخصوص در حوزه آثار نوشتاری. می‌دانید که اغلب کتاب‌هایی که بعنوان متون درسی دانشگاهی استفاده می‌کنیم کتاب‌هایی است که یا ترجمه و یا اُفسست شده‌اند. با قبول کپی‌رایت برای تهیه این کتاب‌ها باید مبلغ درخور توجهی بپردازیم.

■ برخی کارشناسان معتقدند حداکثر ۱۰ یا ۲۰ درصد به نرخ

فعلی کتاب‌ها افزوده می‌شود. آیا چنین چیزی درست است؟

□ ۲۰ درصد البته برآورد گزافی است. چیزی بین ۵ تا ۱۲ یا حداکثر ۱۵ درصد متناسب با نوع کتاب و محتوای آن و تاریخ و نوع چاپ و امثال آن‌ها مبلغی است که به قیمت پشت جلد اضافه خواهد شد. قیمت پشت جلد هم در داخل کشور محاسبه می‌شود و بر خلاف تصویری که بعضی‌ها دارند بنای محاسبه ارزش خارجی نیست. یعنی کتابی که در ایران عیناً اُفسست یا از روی آن ترجمه شود به هر میزانی که فروخته شود، بابت حق ترجمه یا حق تکثیر، درصدی را ناشر محاسبه خواهد کرد و به صاحب آن حق در خارج از کشور پرداخت می‌کند. در هر حال این مبلغ درخور توجهی است، بخصوص برای جامعه علمی کشور که عموماً استادان دانشگاه، محققان، پژوهشگران و دانشجویان هستند، تا حدی آن‌ها را نگران می‌کند. صرف نظر از بحث اقتصادی، در حوزه نشر کتاب، مسأله‌ای به نام ممیزی وجود دارد که در صورت رعایت کپی‌رایت، به سادگی نمی‌توانیم اقداماتی را که هم‌اکنون در مورد ممیزی کتاب‌ها در داخل کشور بخصوص در مورد کتاب‌هایی مثل رمان (ترجمه) انجام می‌دهیم، ادامه دهیم. البته مواردی که به جهت الزامات اخلاقی در داخل کشور داریم و متناسب با فضای فرهنگی کشور در آن کتاب‌ها دست می‌بریم یا بخش‌هایی را حذف یا تعدیل کنیم، امری معقول است و در کشورهای دیگر هم کم و بیش انجام می‌گیرد.

■ در مورد تصاویر چطور؟

□ اگر تصاویر نامناسب باشد و احتیاج به حذف یا اصلاح داشته باشد، ممکن است ناشر و نویسنده رضایت به این کار ندهند در این صورت ما نمی‌توانیم به آن‌ها دست بزنیم. البته اغلب موافقت و رضایت آنان را می‌توان کسب کرد و ضرری هم به اصالت کتاب نمی‌زند. فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی در اغلب کشورهای دنیا سانسور می‌شوند و این یک امر پذیرفته شده در عرف بین‌المللی است که یک محصول

صرف نظر از بحث اقتصادی، در حوزه نشر کتاب، مسأله‌ای به نام ممیزی وجود دارد که در صورت رعایت کپی‌رایت، به سادگی نمی‌توانیم اقداماتی را که هم‌اکنون در مورد ممیزی کتاب‌ها در داخل کشور بخصوص در مورد کتاب‌هایی مثل رمان (ترجمه) انجام می‌دهیم، ادامه دهیم

شورای اسلامی مطرح می‌شد این شبهه را داشتند که ممکن است عضویت در این سازمان به معنای پذیرش کپی‌رایت باشد که از طرف رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در این زمینه توضیح لازم داده شد.

■ چه تعداد کشور در دنیا آن را پذیرفته‌اند؟

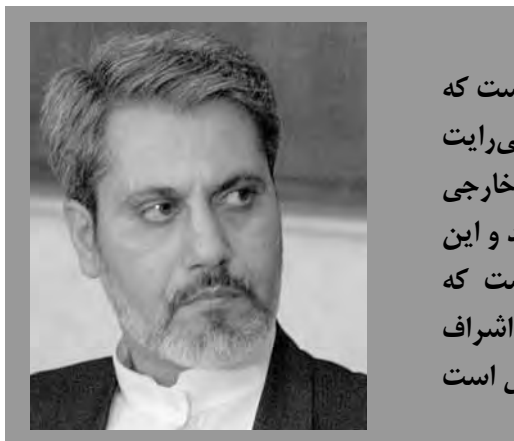
□ تاکنون ۱۴۹ کشور عضو پیمان کپی‌رایت هستند، یعنی از حدود ۱۹۰ کشور عضو سازمان ملل متحد این تعداد کشور کپی‌رایت را پذیرفته‌اند.

■ این‌ها کشورهای شاخص جهان هستند؟

□ خیر، در بین این کشورها از کشورهای عقب‌افتاده و در حال توسعه هم وجود دارد. در مقابل، چند کشور پیشرفته هم هستند که هنوز به این پیمان نپیوسته‌اند که البته دلایل نپیوستن آن‌ها با دلایل کشورهای در حال توسعه قدری متفاوت است؛ کما این که به کنوانسیون‌های دیگر هم نپیوسته‌اند. مسلماً نپیوستن این کشورها به دلایل اقتصادی یا فقر مادی نیست، بلکه به دلایل دیگر است که جای بحث آن اینجا نیست.

■ چرا در ایران مخالفت برای پیوستن به کپی‌رایت وجود دارد؟

□ این موضوع بحث جدیدی نیست. از سال‌ها قبل بین مخالفان و موافقان برای پیوستن به کپی‌رایت اختلاف نظر وجود داشته‌است که بحث دامنه‌داری است. مخالفان پیوستن به کپی‌رایت عموماً جهات اقتصادی و بعضاً سیاسی آن را مد نظر دارند و بعضی هم به جهات علمی و فرهنگی آن توجه می‌کنند. طبیعی است که کشور ما به دلیل این که در حوزه‌های مختلف علوم بیشتر مصرف‌کننده‌است تا تولیدکننده، در صورت پذیرفتن کپی‌رایت باید بهای استفاده از کالاهای علمی و فکری و فرهنگی تولید شده در خارج از کشور را بپردازد و این مبلغ ناچیزی نیست.



نگرانی دیگر مخالفان این است که تصور می‌کنند اگر ما عضو کمی‌رایت شویم ناظرهایی از کشورهای خارجی در کشور ایران حضور می‌یابند و این امر ما را در فشار خواهد گذاشت که این امر ناشی از عدم آگاهی و اشراف لازم نسبت به مقررات بین‌المللی است

■ اگر دستگاه قضایی کشور چین کاری را نکرد، آیا سیستم قضایی کشور صاحب حق یا یک مرجع بین‌المللی می‌تواند به تخلف رسیدگی کند؟

□ اگر رسیدگی که صورت می‌گیرد و رأیی که صادر می‌شود مورد قبول دارنده حق نباشد می‌تواند آن را به دادگاه بین‌المللی بکشاند و این بسته به شرایط قراردادی است که بین مصرف‌کننده و تولیدکننده در هنگام عقد قرارداد برای استفاده از یک اثر ادبی یا هنری منعقد شده‌است. بعنوان مثال، از مواردی که در قراردادها گنجانده می‌شود این است که در صورت بروز اختلاف بین طرفین قرارداد، باید یک حکم مرضی‌الطرفین تعیین شود. این حکم ممکن است از یک کشور ثالث تعیین شود و در این صورت پای مراجع بین‌المللی به میان کشیده می‌شود و این شاید یکی از جهات نگرانی کسانی بوده که نمی‌خواستند پای طرف خارجی در این قضا یا باز شود. به هر حال، این‌ها عمده دلایل مخالفان است که نباید نادیده گرفته شود.

از طرفی، موافقان هم دلایلی از جمله عرف حاکم بر فضای فرهنگی و هنری و تجاری و اقتصادی جهان را ملاک قرار می‌دهند. شما در جهان امروز نمی‌توانید بعنوان یک کشور بسته عمل کنید و ناگزیر از دادوستد با جهان پیرامون خود هستید. جهان پیرامون شما هم اگر بخواهد با شما وارد دادوستد شود مقررات و شرایطی دارد. این شرایط را ممکن است قبول نداشته باشید، اما اگر بخواهید در دنیای کنونی حضوری فعال و مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشید یا دست کم حضوری که متناسب با شأن شماست، باید سعی کنید در دادوستد بین‌المللی، از جمله در زمینه‌های فرهنگی و هنری، خودتان را با آن شرایط هماهنگ کنید. منظور این نیست که در همه موارد سر تسلیم فرود بیاوریم و همه شرایط را به گردن بگیریم. طبیعی است که در امر دادوستد دو طرف می‌توانند با همدیگر چانه بزنند. این یک امر متعارف است و برای رسیدن به شرایط مطلوب، طرفین با همدیگر مذاکره می‌کنند. اما یکی از دو طرف نمی‌تواند بگوید

خارجی که وارد کشوری می‌شود با اصول و موازین اخلاقی و عفت عمومی در آن کشور باید هماهنگ شود. در این قضیه، در کنار عرف بین‌المللی، کسب رضای صاحب حق خارجی هم مطرح است و ممکن است در مواردی صاحب حق اجازه ندهد، بخصوص در مورد رمان ممکن است مشکلاتی ایجاد شود. چنانچه مؤلف یا ناشر صاحب حق آن رضایت ندهد و ما بدون اجازه او این کار را انجام دهیم، اگر او شکایت کند و ما هم عضو کمی‌رایت باشیم حق را به او می‌دهند.

■ در چنین مواردی آیا نمی‌توانیم در مذاکرات الحاق شرایطی را قائل شویم؟

□ به طور قطع می‌توانیم شرط بگذاریم و باید بگذاریم. بسیاری از کشورهای دنیا بخصوص کشورهای اسلامی که در شرق آسیا هستند و میزان مصرف کالاهای فرهنگی و هنری خارجی در آن‌ها خیلی بالاست، مثل اندونزی و مالزی، این کار را انجام می‌دهند که هر گونه فیلمی با هر گونه تصویری، بویژه در محیط‌های خانوادگی پخش نشود. به صورت کلی این امر پیش‌بینی شده، ولی در عین حال حقوق اولیه اثر محفوظ است و باید رعایت شود. در کنار دلایل اقتصادی و نگرانی ممیزی، نگرانی دیگری هم مخالفان دارند که دلیل سیاسی است و تصور می‌کنند که اگر ما عضو کمی‌رایت شویم ناظرهایی از کشورهای خارجی در کشور ایران حضور می‌یابند و این امر ما را در فشار خواهد گذاشت که این بحثی قدیمی است و ناشی از عدم آگاهی و اشراف لازم نسبت به مقررات بین‌المللی است. مسأله اساسی که در این زمینه وجود دارد این است که اگر تخلفی از کشوری که عضو کمی‌رایت است صورت گیرد، دستگاه قضایی آن کشور موظف است شرایطی را فراهم کند که به آن تخلف رسیدگی شود و حقوق دارنده آن اثر که احتمالاً تضییع شده، استیفا گردد و به دارنده حق برگردد.

در جهان امروز نمی‌توانید بعنوان یک کشور بسته عمل کنید و ناگزیر از دادوستد با جهان پیرامون خود هستید، اگر بخواهید در دنیای کنونی حضوری فعال و مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشید باید سعی کنید در دادوستد بین‌المللی، از جمله در زمینه‌های فرهنگی و هنری، خودتان را با آن شرایط هماهنگ کنید

این گونه‌است. مگر اینکه ما به خودمان اعتماد نداشته باشیم. در بین ۱۴۹ کشوری که عضو کمی‌رایت هستند، بسیاری از آن‌ها از لحاظ فرهنگی و هنری به هیچ وجه قابل مقایسه با ما نیستند، ولی صرفه خودشان را در این دیده‌اند که بیایند و به این کنوانسیون پیوندند و اگر نه در کوتاه مدت، در درازمدت از نتایج آن بهره‌مند شوند. مثلاً موسیقی جاز که از پر طرفدارترین موسیقی‌ها در دنیا بخصوص در کشوری مثل آمریکا است، خاستگاهش در آفریقا است. بسیاری از کشورهای آفریقایی که کمی‌رایت را پذیرفته‌اند با استفاده از مکانیسم‌های بین‌المللی موفق به اعاده حق خود شده‌اند و ضمن ثبت یک اثر فرهنگی و هنری به نام خود، مبالغی را نیز دریافت کرده‌اند، ولی ما در این زمینه‌ها متأسفانه خوب اقدام نکرده‌ایم و به هنرمان بعنوان یک امر جامع نگاه نکرده‌ایم. از آنجا که عمده مخالفان پیوستن ما به کمی‌رایت در حوزه آثار نوشتاری بوده‌اند، بخصوص مترجمان یا ناشرانی که کتاب‌های افسانه‌ای یا ترجمه‌های تولید می‌کنند، صرفه خود را در این دیده‌اند که بدون پرداخت حقوق این کتاب‌ها دست به انتشار آن‌ها بزنند و منتفع شوند و از امکاناتی که در خارج از کشور برای سودآوری کالاهای فرهنگی و هنری ما وجود دارد استفاده کنند. یعنی ما فقط مصلحت مادی یک بخش را در نظر گرفتیم و مصلحت ملی خود را فدای آن کردیم. این نحوه نگاه باید در کشور اصلاح شود و ما باید مصالح ملی و عمومی‌را مد نظر قرار دهیم، در عین این که گوشه چشمی هم به مسائل بخشی داشته باشیم. ما در موسیقی در دنیا طرفدارانی داریم. دست کم اگر ایرانیان خارج از کشور را در نظر بگیریم، حدوداً ۴ میلیون نفر ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند. همه فریفته فرهنگ غرب نیستند و هنوز در بین آن‌ها شماری درخور توجه وجود دارد که طرفدار و بلکه شیفته فرهنگ ایرانی هستند. کالاهای فرهنگی و هنری ما ب راحتی از مرز خارج می‌شود بدون این که چیز زیادی عاید تولیدکنندگان داخلی در این زمینه‌ها شود. در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که به دلیل این که حرف

می‌خواهم مصرف‌کننده این آثار و تولیدات باشم بدون این که حقوق آن‌ها را پرداخت کنم. این مقبول و متعارف نیست و این را کسی نمی‌پذیرد. شما اگر ضبط صوتی را خریدید باید پولش را بدهید. اگر پولش را ندهید به شما گفته می‌شود که آن را دزدیده‌اید. شما هر کالایی را که وارد کشورتان می‌کنید باید بهایش را بپردازید. طبیعی است که در پرداخت این بها با تولیدکننده وارد مذاکره می‌شوید و سعی می‌کنید قیمتی را بپردازید که متناسب با امکانات و توانایی شما باشد (به تعبیر خودمان به گونه‌ای که سرما کلاه نرود).

آن طرف هم که کالا را تولید کرده می‌خواهد سود ببرد، حال کالای فیزیکی باشد یا کالای فکری. البته هر کالای فیزیکی هم پشت خودش یک فکری دارد. در طراحی آن خلاقیت فکری بهایی دارد. تولیدکنندگان این آثار توقع دارند که از حاصل فکر و ذوق و تخیلشان یک درآمدی داشته باشند و این امری کاملاً مقبول در عرف ملی و بین‌المللی است. کما این که در داخل کشور نمی‌توانید به یک نویسنده بگویید تو چون از فکرت استفاده کرده‌ای چیزی به تو تعلق نمی‌گیرد. آن ناشر هم که به کار یک محقق عینیت بخشیده‌است، طبق یک قرارداد، او هم صاحب بخشی از این حق می‌شود؛ در حالی که همه، دارنده فکر اولیه را هم صاحب حق مادی می‌دانند هم صاحب حق معنوی (که اسمش روی این کار است).

در پرداخت حقوق صاحب اثر، حق مذاکره داریم و همه جای دنیا هم این کار را انجام می‌دهند (چانه‌زنی می‌کنند). فرض کنید که شما صرفاً بخواهید تولیدکننده یا فقط مصرف‌کننده باشید. اگر مصرف‌کننده هستید باید بهای کالای مصرفی خود را بپردازید و اگر تولیدکننده باشید حق شما محترم خواهد بود. این را باید بعنوان یک امر جامع در نظر گرفت. بعنوان نمونه، بحثی که سال‌ها مطرح است، مسأله نقشه فرش ایران است. در فرش، ما در دنیا حرف اول را می‌زنیم. اما نقشه فرش ما را بعضی از کشورها مثل چین، هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه و برخی دیگر سرقت کرده‌اند و بر اساس آن فرش‌هایی تولید می‌کنند که حتی اسم‌های مشابه فرش‌های ما را دارد - مانند بیجار هند، بیجار پاکستان - و آن را به کشورهای خارجی عرضه می‌کنند و به قیمت ارزان‌تر هم به فروش می‌رسانند و از این طریق به بازار فرش ایران در خارج از کشور لطمه زده‌اند. در حالی که اگر عضو کمی‌رایت بودیم، می‌توانستیم از حق دو هزار ساله خود دفاع کنیم و از بروز مشکلات اقتصادی برای قشر زحمت کش و آسیب‌پذیر جامعه جلوگیری کنیم. البته نمی‌خواهم ادعا کنم که با پیوستن به کمی‌رایت همه راه‌ها به روی ما باز می‌شود، بلکه ما همچنان مشکلاتی خواهیم داشت، اما دست کم بهانه‌ای در دست دیگران نداریم که چون شما عضو کمی‌رایت نیستید ادعایی هم نمی‌توانید داشته باشید. در بسیاری از موارد

در دنیای امروز دیگر کسی نمی‌پذیرد که شما از کالایی استفاده کنید بدون این که حقوق آن را بپردازید، بلکه آن را دزدی می‌داند تا جایی که اصطلاح دزدی دریایی را برای آن بکار می‌برند

■ در تصمیم‌گیری‌ها هم نفوذ داشته‌اند؟

□ البته نفوذ هم داشته‌اند؛ در دولت و در مجلس هم بوده‌اند. شما اگر به سابقه مذاکراتی که در مجلس شورای ملی سابق در قبل از سال ۱۳۴۸ - که اولین قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تصویب شد - مراجعه کنید، می‌بینید که شبیه آن بحث‌ها که عرض کردم بعنوان دلایل مخالفت، آن موقع هم بود. آن زمان می‌گفتند اگر ما به کپی‌رایت بیبوندیم باید میلیون‌ها دلار در سال بپردازیم برای اینکه کتاب وارد کشور کنیم یا کتاب ترجمه کنیم. طبیعی است که اگر بخواهیم با قدری تسامح به مسأله نگاه کرده و حمل بر صحت کنیم، می‌بینیم که این مخالفت ناشی از نگرانی نسبت به منافع ملی بوده‌است. من هیچ نظر سوء و بدبینی نسبت به عموم مخالفان ندارم. اگر حمل بر صحت کنیم عمده نگرانی‌ها ناشی از این بوده که منافع ملی به خطر می‌افتد و مبالغ زیادی ارز از کشور خارج می‌شود.

■ آیا بررسی‌هایی صورت گرفته‌است تا مشخص گردد منافع پیوستن به کپی‌رایت بیشتر است یا مضرات آن؟ البته کاری که مستند به آمار و ارقام باشد؟

□ متأسفانه کاری که صورت ملی داشته باشد یا در گستره ملی انجام گرفته باشد، بصورت یک پروژه ملی، تاکنون انجام نشده‌است. مقالاتی در این زمینه توسط افراد صاحب نظر نوشته شده، اما این مقالات و حتی معدود کتاب‌هایی که تألیف و ترجمه شده‌اند، مستند به آمارگیری نبوده و آمارهای موجود هم محدود و تصادفی است. در واقع آمارگیری جامع و دقیقی در این زمینه انجام نشده، یعنی هم مخالفت‌ها و هم موافقت‌ها براساس اطلاعات معمولی یا مطالعات پراکنده انجام گرفته‌است. البته در وزارت ارشاد با همکاری وزارت بازرگانی هم اکنون یک طرح ملی با عنوان «پیامدهای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در حوزه کپی‌رایت» در دست اجراست. بر اساس این طرح یک مطالعه گسترده در سطح ملی در حال انجام است.

و نگاه دیگری در تولید فیلم مطرح کرده‌ایم، سینمای ایران در دنیا اعتبار کسب کرده‌است. گرچه سینمای ایران تولید زیادی ندارد و ۵۰ تا ۶۰ فیلم بیشتر تولید نمی‌کنیم، ولی نسبت به تعداد تولید فیلم در دنیا، جوایزی که ما کسب کرده‌ایم بسیار بالاست. در سایر زمینه‌ها نیز بویژه در هنرهای دستی، کشور ما یکی از غنی‌ترین تولیدات و محصولات هنری را دارد. در سایر زمینه‌های فرهنگی، هنری هم کشور فقیری نیستیم.

پیوستن ما به کپی‌رایت در کوتاه مدت برای بخش‌هایی از فرهنگ ما زیان‌هایی در بر دارد؛ از کشور مبالغی پول خارج می‌شود، اما متقابلاً بخش‌های دیگری از فرهنگ و هنر ما، که بخش‌هایی در خور توجه‌اند، درآمدزا و سودآور خواهند بود. اینجاست که باید سیاست‌گذاران کشور و مراجع قانونی، از مجلس شورای اسلامی گرفته تا دستگاه‌های فرهنگی و هنری مثل وزارت ارشاد، صدا و سیما و سایر مراجع تصمیم‌گیری، باید نسبت به این مسأله با نگاهی واقع‌بینانه برخورد کنند و مصالح ملی را در این زمینه مد نظر قرار دهند و دقیقاً بررسی کنند که آیا انصافاً الحاق ما به کپی‌رایت صرف نظر از جنبه‌های اخلاقی مسأله که مفروغ عنه‌است - به نفع کشور است یا به ضرر آن. تکرار می‌کنم که در دنیای امروز دیگر کسی نمی‌پذیرد که شما از کالایی استفاده کنید بدون این که حقوق آن را بپردازید، بلکه آن را دزدی می‌داند تا جایی که اصطلاح دزدی دریایی را برای آن بکار می‌برند (Piracy در لغت یعنی دزدی دریایی که بسیار زشت است). گمان نمی‌کنم کسی بخواهد به حیثیت ایران که کشوری با افتخارات فرهنگی و هنری بسیار است لطمه بخورد.

■ چند سال است که در مورد پیوستن به گات و بعد سازمان جهانی تجارت کارشناسی می‌کنیم و مذاکرات انجام می‌دهیم. چند سالی هم هست که در حال بحث در موضوع الحاق به کپی‌رایت هستیم. تصور می‌کنید مهم‌ترین کانون مخالفت و عدم توان تصمیم‌گیری قاطع کشور ما کجاست؟ و آیا کشور متحمل ضررهایی از این بابت شده یا خیر؟

□ من تعبیر کانون را درست و دقیق نمی‌دانم. ما کانونی برای مخالفت نداریم، کما این که کانونی هم برای موافقت نداریم. مخالفانی هستند که در حرفه‌ها و جاهای مختلف‌اند. هم در دولت، هم در مجلس و هم در بخش خصوصی مخالف کپی‌رایت داریم، موافق هم داریم. البته سابقه کار نشان می‌دهد که عمده مخالفان در حوزه آثار نوشتاری آن هم در دو بخش ترجمه و افسست بوده‌اند، چون در بخش تولید کتاب در کشور از این حیث مشکلی نداریم.

به میزان دادوستدی است که در این حوزه انجام می‌گیرد، شاید اگر گزارش جامعی در این باره تهیه گردد، تعدیل شود و هم موافقان و هم مخالفان به نتیجه نزدیک‌تری برسند، یا دست کم به یک همفکری و تعامل فکری روشن‌تری دست یابند.

■ حال که طرح جامعی در حال انجام است، آیا انجام مطالعه تطبیقی با کشورهای که شرایطی مشابه ایران دارند، مفید نخواهد بود؟

□ بسیار مفید و راهنما خواهد بود. تجربیات سایر کشورها را در کنار این طرح باید بررسی کنیم؛ کشورهایی که از جهات فرهنگی و اقتصادی یا از جهات اعتقادی و اخلاقی مشابهات و نزدیکی‌هایی با ما دارند باید مورد مطالعه قرار گیرند تا در صورت لزوم بتوانیم از تجربه آن‌ها استفاده کنیم.

■ یک مطلبی که مخالفان پیوستن کشور به کنوانسیون‌های جهانی مطرح می‌کنند (در بحث‌های جهانی شدن) این است که قدرت‌های بزرگ در موارد زیادی معاهداتی را مطرح می‌کنند و پس از تحمیل به کشورهای دیگر، هر زمان که منافعشان اقتضا کند براهتی آن پیمان‌ها را زیر پا می‌گذارند. نمونه‌اش در جنگ فولاد اتفاق افتاد که آمریکا بدون هیچ گونه توجیهی قوانین را زیر پا گذاشت. آیا در مورد پیمان کی‌رایت هم این گونه موارد وجود دارد؟ و آیا بیشتر این پیمان‌های جهانی در راستای اهداف قدرت‌ها نیست؟

□ در حال حاضر باید یک تصمیم حساس گرفته شود. دنیای حاضر دنیایی است که باب میل ما ساخته نشده است. در ساخت تمدن جدید هم ما حضور یا حضور فعالی نداشته‌ایم، طبیعتاً در وضع قوانین هم، ما دست بالا نداریم. در این زمینه، حتی می‌توان گفت که دست پایین داریم، البته نباید منفعل باشیم. دغدغه جهانی شدن و پیوستن کشورهایی از قبیل کشور ما - که در اصطلاح کشورهای در حال توسعه نامیده می‌شوند - و ورود آن‌ها به بازار جهانی، دغدغه بجایی است. اما به هر حال، دیر یا زود، باید با واقعیت‌های جهان پیرامون خودمان روبرو شویم. ما تا کی باید کنار بنشینیم و فقط نظاره‌گر باشیم؟ طبیعی است که اگر کنار بکشیم از بسیاری از امتیازات تمدن جدید بی‌بهره خواهیم بود. البته وارد شدن در جرگه‌های دادوستد اقتصادی، سیاسی، تجاری، فرهنگی و هنری بی‌خطر نیست. کشورهایی از قبیل کشور ما طبیعتاً با خطراتی مواجه خواهند بود، به دلیل اینکه در بسیاری از زمینه‌ها، در مقام تصمیم‌گیر نهایی نیستیم؛ در مقام تعیین‌کننده مقررات بین‌المللی هم نیستیم. این طبیعی است که نباید خوشبینانه به مسأله نگاه کرد که در صورت الحاق ما به معاهدات بین‌المللی، همه درها به روی ما باز خواهد شد و از تمام امکانات جهان پیشرفته کنونی بدون دردسر استفاده خواهیم کرد، بطور قطع چنین نیست. دنیای کنونی مضار خود را

ما فقط مصلحت مادی یک بخش را در نظر گرفتیم و مصلحت ملی خود را فدای آن کردیم. این نحوه نگاه باید در کشور اصلاح شود و ما باید مصالح ملی و عمومی را مد نظر قرار دهیم، در عین این که گوشه چشمی هم به مسائل بخشی داشته باشیم

■ مسوول و مجری مستقیم این پروژه کیست و آیا شما می‌توانید زمان مشخصی را برای ارائه نتایج آن اعلام کنید؟

□ بله، «پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت ارشاد» این پروژه را با همکاری دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری کشور در وزارت بازرگانی در دست اجرا دارد و تلاش می‌شود که تا پایان سال ۸۴ نتایج این طرح ملی در اختیار عموم قرار گیرد. براساس این طرح امید است که بتوانیم بر آورد نسبتاً دقیقی داشته باشیم و مشخص کنیم که در صورت پیوستن ما به سازمان جهانی تجارت، که از جمله پذیرش کی‌رایت را هم در پی خواهد داشت، سود و زیان ما چقدر خواهد بود. این کار نیاز به آمارگیری نسبتاً دقیقی دارد که البته زمان هم می‌برد، زیرا متأسفانه چنین آماري را در بعضی از حوزه‌ها نداریم، (نه آمار وجود دارد نه برآورد ملی). بر این اساس باید یک مقطع ۵ تا ۱۰ ساله را ارزیابی کنیم که بعنوان مثال تعداد کتاب‌های وارد شده به کشور که افسد و ترجمه شده‌اند چقدر بوده تا قیمت میانگینی برای آن‌ها در نظر بگیریم و بعد محاسبه گردد که حقوق تولیدکنندگان آن‌ها چه میزان خواهد شد.

این تازه در بخش کتاب است. در بخش آثار غیرنوشتاری، که آثار هنری را شامل می‌شود و حوزه‌های متعددی مانند تئاتر، موسیقی، هنرهای دستی، مطبوعات و... را دربرمی‌گیرد، آن‌ها را هم باید محاسبه کنیم؛ تا براساس آن بدانیم در صورت الحاق چقدر باید پرداخت کنیم و متقابلاً اگر ما در همین حوزه‌ها تولیداتی داریم که احتمالاً در خارج از کشور مشتری دارند، چه درآمدی عاید کشور خواهد شد. در نتیجه این برآوردهای دقیق می‌توانیم نظر بدسیم که صرف‌نظر از جنبه‌های سیاسی و فرهنگی مسأله، بار مالی که الحاق خواهد داشت چه میزان خواهد بود. بدین ترتیب تصمیم‌گیرندگان در مجلس، دولت و قوه قضائیه یا سایر مراجع در فضای روشن‌تری قرار خواهند گرفت تا تصمیمی متناسب با واقعیت‌ها اتخاذ کنند. در واقع عمده مخالفت‌ها و موافقت‌ها ناشی از عدم اشراف و آگاهی

تا کی باید کنار بنشینیم و فقط نظاره‌گر باشیم؟ طبیعی است که اگر کنار بکشیم از بسیاری از امتیازات تمدن جدید بی‌بهره خواهیم بود

■ در حوزه کتاب چطور؟

□ پیشرفت‌های خیلی خوبی در حوزه کتاب داشته‌ایم.

■ از بحث شیرین جهانی‌سازی دور شویم و به کتاب باز گردیم. با توجه به محدودیت‌های جهانی کاربرد زبان فارسی، شما فکر می‌کنید حوزه جغرافیایی برای عرضه کالاهای فرهنگی ایران چگونه خواهد بود و آیا در تحولات جدید ما در حاشیه قرار نمی‌گیریم؟

□ طبیعی است که ما در حوزه کتاب هنوز چنان که باید در متن نیستیم، به دلیل اینکه تولیدات ما به زبان فارسی است. زبان فارسی حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیون نفر در دنیا بیشتر متکلم و مخاطب ندارد. البته زبان در دنیای جدید جغرافیا نمی‌شناسد؛ بیشتر حوزه کاربردی آن را باید در نظر گرفت. بعنوان نمونه، زبان انگلیسی که حوزه کاربردی بسیار وسیعی پیدا کرده، معنایش این نیست که این زبان پیشرفته‌ترین است یا زبان بهتری است؛ بلکه زبانی است که به دلایل متعدد - از جمله قدرت اقتصادی و سیاسی که پشت آن است - توانسته حوزه‌های مختلف کاربردی را تصرف کند، به گونه‌ای که می‌توان گفت که انگلیسی زبان رایج علم و گفت‌وگو در دنیا شده است. اغلب دستگاه‌های ارتباطی در دنیا هم به زبان انگلیسی است. زبان انگلیسی حتی زبان دو تا از کشورهای بزرگ دنیا مثل فرانسه و آلمان را تحت‌الشعاع قرار داده است. زمانی زبان فرانسوی زبان علم و ادب و فرهنگ بود، اما رفته رفته در حاشیه قرار گرفته است. زبان آلمانی هم همین طور، بویژه در حوزه فلسفه و موسیقی؛ در حالی که آلمان یک کشور صنعتی بسیار پیشرفته است. زبان اسپانیایی، صرفاً به دلیل تعداد افرادی که به آن صحبت می‌کنند و می‌نویسند - صرف‌نظر از خود اسپانیا و بخش‌هایی در دنیا که به این زبان تکلم می‌کنند - هنوز رونق دارد، اما زبان جهانی علم نیست. زبان چینی، چون در خود چین یک میلیارد و دویست سیصد میلیون نفر به این زبان صحبت می‌کنند، جزو هفت زبان رسمی سازمان

در کنار منافعش عرضه می‌کند. همچنان که شما می‌بینید وقتی مثلاً اتومبیلی وارد می‌کنیم، فقط یک کالای اقتصادی وارد نکرده‌ایم؛ در کنارش مسائل فرهنگی خاصی هم وارد می‌کنیم. در حوزه کالاهای فرهنگی مسأله خیلی دقیق‌تر و خطرات آن هم جدی‌تر است. شما وقتی یک فیلم سینمایی را وارد کشور کنید طبعاً تأثیر بیشتری خواهد داشت - چه تأثیر مثبت و چه تأثیر منفی. از این رو همه اولیای امور و مسئولان فرهنگی، هنری و سیاسی کشور و دستگاه‌های تصمیم‌گیر باید با چشم باز وارد این امور شوند. مهم‌ترین تصمیمی که باید بگیریم در درجه اول این است که به هر حال، با این دنیا می‌خواهیم چه کار کنیم؟ آیا می‌خواهیم کنار باشیم و دور خودمان حصار بکشیم که هیچ‌گذندی به ما نرسد؟ در دنیای کنونی چنین چیزی ممکن نیست. اگر ماهواره، اینترنت، سی‌دی، ویدئو، رادیو و تلویزیون و ده‌ها وسیله ارتباطی دیگر نبود، شاید می‌شد مقاومت‌هایی کرد، اما با وجود این دستگاه‌های ارتباط جمعی که به یک معنا دهکده جهانی «مارشال برن» را تا حد زیادی محقق کرده‌اند - صرف نظر از بحث‌های نظری که در این زمینه هست - نمی‌توانیم کنار بکشیم و گمان ببریم که آلوده دامن نشویم. از حافظ در اینجا مدد می‌گیرم که فرمود:

آشنایان ره عشق در این بحر عمیق

غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده

این که ما چقدر می‌توانیم به سازوکارهای حاکم بر تمدن جدید آشنا و مسلط باشیم، باید متفکران و روشنفکران ما و کسانی که هم درد دین دارند و هم درد فرهنگ و هم به حفظ مصالح ملی می‌اندیشند، در این زمینه تأمل و اندیشه کنند و راه و چاره مناسب بیابند و با روشنگری‌های خود هم جهات مثبت تمدن جدید و هم جهات منفی و مضار آن را به مردم نشان دهند. ما ناگزیر از رویارویی با دنیای جدید، حتی ناگزیر از مشارکت در بنای این تمدن جدید هستیم. ما هر چه بتوانیم قدرتمندتر، راسخ‌تر و دست‌پرتر و دست‌بازتر در این تعامل جهانی حضور پیدا کنیم، طبیعی است که سهم بیشتری خواهیم داشت. در تعیین مقررات بین‌المللی هم، هر چه بیشتر کنار بکشیم، طبیعتاً بیشتر لطمه خواهیم خورد. بر خلاف دنیای قدیم، این دنیای جدید رحم سرش نمی‌شود و کسانی را که بخواهند در حاشیه قرار بگیرند، رفته رفته حذف خواهد کرد و بعد از حذف، آن‌ها را در معده بزرگ خود هضم خواهد نمود. البته بدیهی است که وارد شدن در این بازی خطرناک مستلزم آمادگی‌های بسیار است.

■ در حال حاضر شما فکر می‌کنید ما در حاشیه هستیم؟

□ بعضاً در حاشیه‌ایم؛ در بعضی از زمینه‌ها از مرز رد شده‌ایم؛ در بعضی موارد هم کم و بیش دخالت داریم.

نیازمند روش‌های جدید برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود هستیم. در این زمینه، در برخی مواقع ناگزیریم از روش‌هایی استفاده کنیم که دیگران مبدع آن‌ها بوده‌اند، ولی باید متناسب با روح فرهنگ خودمان آن روش‌ها را بومی کنیم و بکار بگیریم و این کار دشواری است

ملل است، اما باز هم زبان جهانی نیست. زبان فارسی، علی‌رغم همه توانایی و قوت و زیبایی و ظرافتی که دارد، به دلیل حوزه محدود کاربردش، در فرهنگ جهانی سهم درخور توجهی ندارد، بخصوص در فرهنگ جدید جهانی. در نظام کلاسیک که مبتنی بر ادبیات است، شعر ما، بخصوص کتاب‌ها و دیوان‌های شعرای بزرگ ما، به زبان‌های متعدد ترجمه شده و جایگاه خاص خود را داراست. اما ادبیات معاصر ما خیلی کم در دنیا شناخته شده‌است که با این وضعیت نه می‌توانیم و نه باید توقع داشته باشیم که زبان فارسی زبانی فراگیر باشد و اگر بتوانیم این زبان را در بین کسانی که به آن تکلم می‌کنند حفظ کنیم و زنده نگه داریم، کار بزرگی کرده‌ایم. بعضی از ایرانیان خارج از کشور، نسل‌های دوم و سوم آن‌ها، رفته رفته زبان مادری خود را فراموش می‌کنند و این مسأله ناچیزی نیست که بخواهیم از آن بگذریم. حفظ کردن و زنده نگه داشتن این زبان در بین کسانی که زبان مادری آن‌ها فارسی بوده نیز کار دشواری است. ما بایستی در حوزه نشر بین‌المللی، یعنی نشر کتاب‌های خودمان در خارج از کشور، هم به زبان فارسی و هم ترجمه کتاب‌هایی از زبان فارسی به زبان‌های دیگر که بتواند کاربرد وسیع‌تری برای فرهنگ و تفکر ما ایجاد کند، خیلی کار کنیم. بنده معتقدم در این زمینه در ابتدای راه هستیم.

معدودی از دانشمندان بزرگ در جهان هستند که ایرانی‌اند و ما واقعاً به آن‌ها افتخار می‌کنیم؛ اما طبیعی است که آن‌ها به زبان فارسی این علوم و آثار فکری خود را عرضه نکرده و نمی‌کنند. ما باید در حوزه علوم انسانی، فرهنگی و ادبی، به معنای خاص آن، روی آثار ارزنده خودمان، اعم از آثار کلاسیک که برخی از آن‌ها به زبان‌های متعدد ترجمه و شناخته شده‌اند و همین‌طور آثار ادبی معاصر خیلی بیشتر از این‌ها کار کنیم. اقداماتی در زمینه نشر بین‌الملل صورت گرفته، ولی در این زمینه هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی در آغاز راه هستیم. طبیعتاً پذیرش کپی‌رایت به این مسأله خیلی کمک می‌کند. در صورت عدم پذیرش کپی‌رایت، ممکن است کتاب‌هایی را در داخل کشور تولید کنیم و به خارج از کشور بفرستیم، ولی منطقی نیست که توقع داشته باشیم این کتاب‌ها بازارهای بین‌المللی هم داشته باشند. در صورت پذیرش کپی‌رایت این کار قدری تسهیل می‌شود. نه این که همه مسأله در پذیرش کپی‌رایت باشد؛ پذیرش کپی‌رایت راه‌هایی را باز خواهد کرد و مشکلاتی را از پیش روی ما بر خواهد داشت.

آنچه که در درجه اول باعث می‌شود یک فرهنگ مرزها را پشت سر بگذارد و به خارج از حوزه جغرافیایی خود سرایت کند، قوت و توان و محتوای آن فرهنگ است، نه فقط زبان آن فرهنگ. زبان البته نقش مهمی دارد، ولی آن زبان اگر حرفی برای گفتن نداشته باشد جایی هم برای رفتن نخواهد داشت. ما فرهنگ غنی و قدرتمندی داریم، ولی باید روش‌های جدید استفاده از این فرهنگ را با توجه به عوامل متعددی که در این زمینه نقش بازی می‌کنند شناسایی کنیم؛ روش‌های کلاسیک ما دیگر جوابگو نیستند. ما نیازمند روش‌های جدید برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود هستیم. در این زمینه، در برخی مواقع ناگزیریم از روش‌هایی استفاده کنیم که دیگران مبدع آن‌ها بوده‌اند، ولی باید متناسب با روح فرهنگ خودمان آن روش‌ها را بومی کنیم و بکار بگیریم و این کار دشواری است.

■ آیا مرکزی در وزارت ارشاد وجود دارد که خدمات کپی‌رایت به ناشران ایرانی ارائه دهد؟ بعنوان نمونه بگوید که اطلاعات مربوط به کپی‌رایت آثار ایرانی در کجای دنیا خریدار دارد یا چه ناشرانی در دنیا تقاضای ارائه آثار ما را دارند؟

□ یکی دو سال است در معاونت امور فرهنگی دفترتری به نام «دفتر نشر بین‌الملل» تأسیس شده و اقداماتی هم برای معرفی آثار ایرانی و متقابلاً انتقال اطلاعاتی در این زمینه برای تولیدکنندگان این آثار در داخل کشور انجام داده‌است. حمایت‌هایی هم از ناشرانی که می‌خواهند در این زمینه فعالیت کنند، صورت می‌دهد. در مورد کپی‌رایت در وزارت ارشاد ما در صد تأسیس یک دفتر مالکیت امور ادبی (= نوشتاری) هنری

■ بحث کپی‌رایت را با سؤال دیگری پی‌گیری می‌کنم. آیا کار کارشناسی از طرف دولت یا بخش خصوصی برای ارزیابی کتاب‌های فارسی و ایرانی که دارای جایگاه جهانی و توان ارائه به بازار اندیشه دنیا باشد صورت گرفته‌است؟ زیرا این کار بخصوص نشان‌دهنده موقعیت علمی کشور ما از لحاظ سهم جهانی تولید علم و هم‌چنین مبادلات کپی‌رایت خواهد بود.

□ طبیعی است که ما در حوزه تولید علوم دقیقه مثل فیزیک، شیمی، ریاضی و امثال این‌ها حرف زیادی برای گفتن نداریم. متأسفانه، در این زمینه بیشتر مصرف‌کننده‌ایم. البته

وظیفه دولت در این زمینه
تهیه قوانین و مقررات از
طریق مجلس و سایر مراجع
است و قوه قضائیه باید
پی گیر این باشد که برای
جلوگیری از تخلفات کارهای
جدی تری انجام دهد



طور مثال، وقتی یک کالای صنعتی با بسته بندی خوبی عرضه نشود، حتی اگر کیفیت بسیار عالی هم داشته باشد، بازار خوبی در دنیا نخواهد داشت. همین طور در حوزه آثار فرهنگی و هنری اگر افکار را به نحو خوبی عرضه نکنیم، خریدار نخواهد داشت. ما رُطب مضافتی بم را داریم. اگر آن را در جعبه مقوایی عرضه کنیم محدودی مشتری دارد، اما اگر با بسته بندی مناسب عرضه کنیم بازار گسترده تری خواهد داشت. کتابی که در ایران منتشر می کنیم اگر به روش های قدیمی اصطلاحاً شمس العماره ای یا ناصر خسروی - تولید کنیم، یک بازاری دارد و اگر با روش هایی که در نشر بین الملل وجود دارد آن را تولید کنیم طبیعتاً بازار گسترده تری خواهد داشت. روش های عرضه آثار فرهنگی و هنری ما باید منطبق با استانداردهای بین المللی باشد.

■ یکی از کارهایی که در نمایشگاه کتاب فرانکفورت با حمایت دفتر توسعه نشر بین الملل ایران انجام شد و یکی دو بار هم اجرا گردید، اعزام برخی از ناشران ایرانی با عنوان بنگاه های ادبی بود. این اقدام آیا دستاوردی داشته و چه تعداد کتاب ایرانی به ناشران و بنگاه های انتشاراتی خارجی فروخته شده است؟

□ اطلاع دقیقی ندارم. اما مواردی به عقد قرارداد خرید ترجمه بعضی از کتاب های ایرانی در خارج از کشور منجر شده است؛ اگر چه موفقیت در خور توجهی نبوده است. هم چنین بعضی از آثار موسیقایی ما در نمایشگاه عرضه شد و به فروش رفت.

■ برای کمک به آشنایی بیشتر مسؤولان و ناشران و افکار عمومی کشور، آیا مجموعه مباحث مالکیت های ادبی و هنری، بخصوص معاهده برن و قوانین کپی رایت، ترجمه و منتشر شده است؟
□ کنوانسیون برن ترجمه شده است. از آن ترجمه ای قدیمی وجود دارد که اول بار در کتاب راهنمای آماده سازی

هستیم. اقدامات اولیه هم صورت گرفته و امیدوارم بتوانیم بزودی این دفتر را تأسیس کنیم.

■ آیا این دفتر بیشتر خدمات مشاوره ای ارائه خواهد کرد؟

□ عمدتاً بله. همان طور که عرض کردم، آن بخشی که در حوزه کپی رایت فعال است بخش تولید کننده آثار فرهنگی و ادبی و هنری است. البته دولت هم تولیداتی دارد و متناسب با تولیدات خود باید آن کارها را انجام دهد، اما تولید کننده عمده و اصلی بخش خصوصی است. دولت در این زمینه باید تسهیلات حقوقی را فراهم کند و قوانین و مقررات لازم را در این زمینه تهیه و تدوین کند و به کسانی که در این زمینه فعالیت می کنند، مشاوره بدهد. هم چنین با تولید و انتشار آثاری در این زمینه - از جمله کتاب و نشریه و مقاله - کمک کند تا منابعی که در این زمینه در داخل کشور تهیه می شود، غنی تر گردد. متأسفانه در زمینه آشنایی با کپی رایت و بخصوص مقررات بین المللی آن، منابع محدودی داریم. اقداماتی در این زمینه انجام شده، چند کتاب هم نوشته شده و کارهایی را هم در دست تهیه داریم که امیدواریم در فاصله نه چندان دور منتشر شود و منابع و مآخذی را در این زمینه برای آشنایی متولیان کتاب و چاپ و نشر با مقررات این حوزه - اعم از مقررات داخلی و بین المللی - در یک بانک اطلاعاتی فراهم آوریم. البته دولت در این زمینه باید نقش حمایت کننده و تسهیل کننده شرایط را داشته باشد. این بخش خصوصی است که باید در این زمینه روز به روز خود را به مسائل بین المللی نزدیک تر کند.

در همه حوزه های فرهنگی و هنری (نه تنها حوزه نشر کتاب)، باید تولید کنندگان ما، اعم از کسانی که فکر و طرح می دهند و کسانی که به این فکر صورت اجرایی و عملی می بخشند و در یک کلام، آنچه را که مال ماست و از ذهن و استعداد ایرانی نشأت گرفته و با امکانات ایرانی تهیه شده است، با استانداردهای جهانی تهیه کنند تا قابل عرضه جهانی باشد. به

عمده مخالفان پیوستن ما به کپی‌رایت در حوزه آثار نوشتاری بوده‌اند، بخصوص مترجمان یا ناشرانی که کتاب‌های اُفست یا ترجمه‌ای تولید می‌کنند، صرفه خود را در این دیده‌اند که بدون پرداخت حقوق این کتاب‌ها دست به انتشار آن‌ها بزنند

کتاب، آقای ادیب‌سلطانی آورده شد. در سال ۱۳۸۱ هم ترجمه‌ای جدیدتر و کامل‌تر از آن در کتاب مجموعه قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی حق مؤلف منتشر شد. ترجمه کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری هم در همان کتاب آمده‌است. در حال حاضر هم کلیه قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های ملی و بین‌المللی حوزه کپی‌رایت را در دست تهیه و ترجمه و انتشار داریم، که جامع همه قوانین و مقررات موجود است و بزودی به بازار عرضه خواهد شد. توافقنامه تریپس هم از سوی وزارت بازرگانی ترجمه و منتشر شده‌است.

■ آیا با پروژه‌ای که «پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات» در دست اجرا دارد و مجموعه کارهایی که توسط شما در حال انجام است، نحوه پذیرش کنوانسیون برن از طرف ایران تسهیل می‌شود؟ □ با هم ارتباطی ندارد، بلکه زمینه‌آشنایی تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنری و مسؤلان بخش‌های فرهنگی و هنری را - دولت، مجلس و قوه قضائیه - با این موضوع فراهم می‌کند. هدف از این کارها، الزاماً آماده‌سازی برای پذیرش کنوانسیون برن نیست. برخی کارشناسان معتقدند که در «نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران» بهترین شرایط برای طرح بحث کپی‌رایت و نقد و بررسی مالکیت فکری وجود دارد. اما نمایشگاه کتاب تهران بر خلاف نمایشگاه‌های بزرگ کتاب، مثل نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در این زمینه خیلی فعال نیست.

■ به نظر شما آیا نمی‌توان از فضای نمایشگاه برای تبادل و تقارب افکار گوناگون بخصوص آمادگی مؤلفان و مترجمان و ناشران ایرانی برای ورود به شرایط جهانی استفاده کرد؟ □ در نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۳۸۱ برای اولین بار در ایران یک همایش سه روزه برای طرح مسأله کپی‌رایت برگزار شد. تعدادی از نمایندگان ناشران بین‌المللی و مهمانانی از خارج - که مهم‌ترین آن‌ها رئیس اداره کپی‌رایت سازمان جهانی

مالکیت فکری بود - حضور داشتند. در آن همایش چند میزگرد تخصصی برگزار شد و نتایج خوبی هم در برداشت. نمایشگاه کتاب تهران عمده‌تاً یک فروشگاه کتاب است و بازار بزرگی است هم برای ناشران ما و هم برای خریداران کتاب که می‌توانند در طول ۱۰ روزی که نمایشگاه دایر است تازه‌ترین کتاب‌هایی را که در ایران تولید می‌شود و هم‌چنین کتاب‌هایی را که توسط ناشران خارجی در نمایشگاه عرضه می‌شود، تهیه کنند. ناشران خارجی نمایشگاه کتاب می‌دانند که ایران عضو کنوانسیون برن نیست و تعهدی نسبت به کپی‌رایت ندارد، به همین دلیل هیچ مشکلی از این حیث ندارند که کتاب‌هایشان را در ایران عرضه کنند. طبیعتاً در صورت الحاق ما به کنوانسیون برن، صورت عرضه کتاب‌های خارجی در کشور تغییر خواهد کرد.

در نمایشگاه فرانکفورت خرید و فروش کتاب انجام نمی‌شود، بلکه بیشتر به صورت قرارداد خرید و فروش حقوق جدیدترین کتاب‌هایی است که عرضه شده‌است. در نمایشگاه کتاب تهران چون خرید و فروش مستقیم کتاب صورت می‌گیرد و ما هم عضو کنوانسیون برن نیستیم طبیعتاً زمینه‌ای برای این کار وجود ندارد. در صورتی که ما به کنوانسیون برن ملحق شویم این دو کار با هم می‌تواند انجام گیرد، یعنی علاوه بر فروش کتاب، قرارداد ترجمه و نشر کتاب، هم از کتاب‌های خارجی برای داخل کشور و هم از کتاب‌های ایرانی برای ناشران خارجی، منعقد کنیم.

■ یکی از بخش‌های دیگری که پذیرش یا عدم پذیرش کپی‌رایت توسط کشور بر بازار آن مؤثر است، بخش تولیدات رایانه‌ای و نرم‌افزار است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟ □ در سال ۱۳۷۹ قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای تصویب شد. آیین‌نامه اجرایی آن هم اخیراً به تصویب رسید. در حوزه نرم‌افزارهای رایانه‌ای، به دلیل این که تکنولوژی جدیدی است، پیشرفت‌های زیادی هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی داشته‌ایم. در جهت منفی، با مسأله هکرها و تولید غیرمجاز نرم‌افزارها مواجهیم، یعنی کسانی که قفل نرم‌افزارها را می‌شکنند و نرم‌افزارها را به صورت غیرمجاز و غیرقانونی با قیمت‌های بسیار پایین به بازار عرضه می‌کنند. این مسأله در همه جای دنیا هست و در ایران هم وجود دارد. (این که عرض کردم همه جای دنیا، بسیاری از کشورهای دنیا که حتی عضو کپی‌رایت هم هستند با این مشکل مواجهند.) بعنوان مثال، در کشوری مثل هندوستان که در سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۸ میلیارد دلار از محل تولید نرم‌افزارهای رایانه‌ای درآمد داشته، سالانه میلیاردها دلار از تکثیر غیرمجاز این آثار ضرر می‌بیند. همین‌طور در کشورهای جنوب شرقی آسیا مثل تایلوان،

**حقوقدانانی که آشنا به مسائل
حقوقی در این زمینه باشند،
انگشت‌شمارند و دستگاه قضایی
هم هنوز آشنا و مسلط به مسائل
این حوزه نیست. هم‌چنین پلیس
قضایی مناسب برای این کار
نداریم؛ گمرک ما در این زمینه
مشکل دارد**

رعایت شوند، در داخل کشور مشکل قانونی خیلی جدی برای تولیدکنندگان آثار فرهنگی و هنری نداریم. اما مشکلی که شما اشاره کردید فقط در این حوزه نیست؛ ما در حوزه‌های دیگر هم قوانین داریم، ولی از آن‌ها تخلف می‌شود. اگرچه در این حوزه، چون یک حوزه تخصصی است که احتیاج به اطلاعات تخصصی - هم در بخش حقوقی هم در بخش فنی و محتوایی - دارد، برخورد با متخلفان آن هم دشوارتر است. این تخصص‌ها هنوز به حد کافی در کشور وجود ندارد، یعنی حقوقدانانی که آشنا به مسائل حقوقی در این زمینه باشند، انگشت‌شمارند و دستگاه قضایی هم هنوز آشنا و مسلط به مسائل این حوزه نیست. البته این به آن معنی نیست که نمی‌توان با متخلفان برخورد کرد. هم‌چنین پلیس قضایی مناسب برای این کار نداریم؛ گمرک ما در این زمینه مشکل دارد. نتیجه این که ما ناچاریم دو کار انجام دهیم: نخست اصلاح و تکمیل و روزآمد کردن قوانین است؛ دوم تمهید زمینه‌های اجرایی از طریق آشنا کردن دستگاه‌های اجرایی و قضایی با این قوانین و مقررات و هم‌چنین تولیدکنندگان - اعم از نویسندگان و ناشر و ... - تا هم این اشخاص و نهادها با حقوقشان آشنا شوند و هم یک رویه قضایی در این زمینه شکل گیرد.

■ پس این گونه نیست که با پیوستن ما به کمی‌رایت همه مشکلات حل شود؟

□ بطور قطع خیر. ما باید یک چرخه ده - بیست ساله (خیلی خوشبینانه پنج ساله) را طی کنیم تا این حقوق در کشور ما جا بیفتد و مردم بدانند که از نظر حقوقی می‌توانند پی‌گیر مشکلاتشان باشند و امیدوار باشند که به حقوقشان رسیدگی می‌شود و منجر به نتیجه خواهد شد؛ بخصوص در حوزه فرهنگ و هنر، با توجه به این که کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند روحیه‌ای ظریف دارند و طبیعتاً خیلی راحت کنار می‌کشند و از حقشان

هنگ کنگ، چین و امثال آن‌ها، علی‌رغم قوانین بسیار سختی که برای مقابله با قاچاق نرم‌افزارهای رایانه‌ای گذاشته‌اند، هنوز مشکل جدی است. در کشورهای اروپایی هم این مسأله، حتی با وجود دستگاه‌های پلیسی خاصی که برای این کار وجود دارد، هنوز حل نشده‌است.

در ایران، چون هنوز در اوایل کار هستیم، طبیعتاً مشکلاتی بیشتر خواهیم داشت. بسیاری از تولیدکنندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ما در مرز ورشکستگی قرار دارند، و اگر حمایت‌های دولتی از آن‌ها نباشد تولید این آثار صرفه اقتصادی چندانی برای آن‌ها ندارد. چون نرم‌افزارهای غیرمجاز براحتی از روی نسخه‌های اصلی آن‌ها تهیه می‌شود و کار زیادی هم نمی‌توان انجام داد. وظیفه دولت در این زمینه تهیه قوانین و مقررات از طریق مجلس و سایر مراجع است و قوه قضائیه باید پی‌گیر این باشد که برای جلوگیری از تخلفات کارهای جدی‌تری انجام دهد. بخش خصوصی هم باید آثار رایانه‌ای را به گونه‌ای عرضه کند که شکستن قفل آن‌ها دشوارتر شود.

از سوی دیگر، چون ما تازه وارد این بازار شده‌ایم و با توجه به استعدادهای خوبی که در این زمینه داریم و متون و منابعی که می‌توانیم استفاده کرده و وارد حوزه دیجیتال کنیم، می‌توانیم جزو کشورهای تولیدکننده در این زمینه باشیم و مشتریان خوبی هم می‌توانیم در دنیا داشته باشیم. کارهایی هم در این زمینه صورت گرفته و برخی دستگاه‌ها هم فعال هستند و خوشبختانه دولت هم در این زمینه فعالیت می‌کند و بودجه بالایی گذاشته و هم از طریق پرداخت یارانه و هم از طریق اعطای وام‌های بلندمدت حمایت‌های خوبی می‌کند. اما مشکل عمده این بخش توزیع جهانی تولیدات آن است. چون در خارج از کشور هیچ ضمانتی نداریم برای این که حقوق نرم‌افزارهایی که در داخل کشور تولید می‌شود رعایت گردد و به تولیدکننده پرداخت شود، از این جهت متأسفانه تولیدکنندگان این آثار با بازار خوبی مواجه نیستند. بنابراین در این زمینه، اتفاقاً جزو مدافعان سر سخت ما برای پیوستن به کمی‌رایت، تولیدکنندگان نرم‌افزارها هستند، چون بازار بسیار گسترده و پر رونقی دارد.

■ یکی از مشکلات اصلی عدم رعایت کمی‌رایت در ایران عدم ضمانت اجرایی و نبودن ابزارهای عملیاتی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌کنندگان است، وگرنه از نظر قوانین ملی و حتی موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر مشکل زیادی نداریم. به نظر شما مقصر کیست یا مشکل اصلی چیست و چه باید کرد؟

□ من با این نظر موافقم. قوانین و مقرراتی که داریم - با اینکه احتیاج به تصحیح و تکمیل دارند - اگر به خوبی

و فقهی ما خواهد بود و از طرف دیگر زمینه پذیرش جهانی ما را در این زمینه فراهم می‌کند.

■ در حال حاضر این پیش‌نویس در چه مرحله‌ای است؟

□ هنوز در اختیار وزارت ارشاد قرار نگرفته‌است. بنابراین زمانی که تدوین نهایی صورت گرفت، پیش‌نویس در اختیار وزارت ارشاد قرار می‌گیرد و بعد از بررسی توسط وزارت ارشاد از طریق دولت یا قوه قضائیه به مجلس داده خواهد شد. در صورتی که این قانون تصویب شود می‌توان گفت که جایگزین قوانین موجود خواهد شد و با توجه به اینکه هماهنگ با قوانین بین‌المللی است مشکلات بین‌المللی ما را در این زمینه رفع خواهد کرد. از طرفی، با توجه به اینکه ملاحظاتی فقه اسلامی در این پیش‌نویس اعمال شده، در صورتی که در آینده بخواهیم قانونی هماهنگ با کشورهای اسلامی در این زمینه داشته باشیم این قانون می‌تواند برآورده این نیاز هم باشد.

■ آیا قوانین داخلی دقیقاً بایستی منطبق با روح حاکم بر قوانین جهانی مالکیت فکری باشد، یا می‌تواند با آن‌ها اختلاف هم داشته باشد؟

□ می‌تواند اختلافاتی داشته باشد، به گونه‌ای که در هر کشور متناسب با مسائل خاص آن کشور از نظر حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی یا مذهبی ممکن است ملاحظاتی در آن‌ها باشد که با قوانین بین‌المللی اختلاف داشته باشد، اما نباید مغایر با آن‌ها باشد.

■ اما معیار اصلی قوانین جهانی است؟

□ تقریباً؛ قانون سال ۱۳۴۸ ما هم که اولین قانون ماست با کمک و مشاوره یونسکو تهیه شد. در حال حاضر نیز هماهنگی با قوانین بین‌المللی و جهانی گسترش بیشتری یافته‌است.

■ در پایان، ارزیابی کلی خودتان را از پیوستن ایران به کمی‌رایت بیان کنید؟

□ با اقداماتی که از طرف ایران برای الحاق به سازمان جهانی تجارت در دست اجراست، در صورت پذیرش عضویت ما، یکی از مقدمات و تعهدات اصلی آن، امضای معاهدات مربوط به کمی‌رایت و بویژه موافقتنامه تریپس است. بنابراین دیر یا زود، ما ناچار از پذیرش کمی‌رایت هستیم.

نظام و روش‌های حمایتی باید به گونه‌ای باشد که اگر به حقوق یک هنرمند یا نویسنده تجاوز شد، اگر خودش هم نخواست از حقتش دفاع کند، دستگاه‌هایی باشند که حق او را به وی باز گردانند

صرف نظر می‌کنند. در نتیجه، نظام و روش‌های حمایتی باید به گونه‌ای باشد که اگر به حقوق یک هنرمند یا نویسنده تجاوز شد، اگر خودش هم نخواست از حقتش دفاع کند، دستگاه‌هایی باشند که حق او را به وی باز گردانند. این در دنیای غرب جا افتاده‌است و در حال حاضر مراکزی هستند که مشورت‌های حقوقی می‌دهند و بعد هم برای احقاق این حقوق و رسیدگی به تخلفات پیگیری می‌کنند و وقتی آن حق استیفا شد درصدی از آن را بعنوان حق‌العمل خود دریافت می‌کنند. ما چنین مراکزی را در کشور نداریم و باید بوجود آوریم.

■ در سال ۱۹۹۵ کشورهای عضو اتحادیه اروپا قانون کمی‌رایت را به صورت هماهنگ پذیرفتند و در عین حال، قوانین ملی خودشان را نیز حفظ کردند. آیا چنین پیشنهادی از طرف دولت ایران تاکنون مطرح شده که ما به سازمان جهانی مالکیت فکری بپیوندیم و در عین حال قوانین ملی خودمان را حفظ کنیم؟ آیا امکان طرح این موضوع توسط کشورهای عضو «کنفرانس اسلامی» بعنوان کشورهای دارای حقوق مشابه وجود دارد؟ به گونه‌ای که پیشنهاد دهیم کشورهای عضو «کنفرانس اسلامی»، که از نظر حقوقی و فقهی با ما هماهنگ هستند، قوانینی را بصورت بین‌المللی داشته باشند و چنین اتحادیه‌ای تشکیل دهند؟

□ در مورد قسمت دوم سؤال جواب منفی است. اما در مورد قسمت اول پیش‌نویسی برای قانون حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری تهیه شده‌است و از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اقدامات اولیه آن صورت گرفته‌است. چند جلسه هم برای رفع نواقص این پیش‌نویس با مشاوران سازمان جهانی مالکیت فکری برگزار شده و مراحل تدوین آن طی شده و پیش‌نویس در دست تدوین نهایی است. این پیش‌نویس، با توجه به اینکه با ملاحظه فقه اسلامی و البته حقوق بین‌الملل تهیه شده، از طرفی رعایت‌کننده و در بردارنده جوانب حقوقی